

کاملا حواس‌پرت



■ ماریو بندتی (۲۰۰۹–۱۹۲۰)، نویسنده اروگوئه‌ای، در یکی از داستان‌های موجز خود با عنوان «کاملا حواس‌پرت» در فضایی جهان‌سومی، فرآیند نویسنده شدن را با تجربه تبعید پیوند می‌زند. در آغاز شخصیت داستانی او، در گیرودار التهايات سياسي مملکتش، با سه ضربه شوک‌آور، به این نتیجه می‌رسد که باید کشورش را ترک کند. اولین ضربه به سداگي عبارت از تجربه پیاده‌روی در خیابانی است که به ترتیب چهار متکدی در کنار هم برای گرفتن پول عابران ایستاده‌اند و با هم رقابت می‌کنند. دومین ضربه زمانی است که یکی از وزرای کابینه در مصاحبه‌ای تلویزیونی، هر بار که کلمه صلح را بر زبان می‌آورد، پلک سمت راستش دچار تیک عصبی می‌شود و سومین ضربه ناشی از ورود ناگهانی به کلیسایی است که در دو گوشه آن دو تمثال مسیح کنار هم گذاشته شده. یکی از تمثال‌ها با شمع‌های بسیار کانون توجه مراجعان اوست.
دومی مسیحی خاک‌گرفته است که چشمانی اشک‌آلود دارد.

ولی از آنجا که شخصیت داستانی، به چهار زبان زنده دنیا تسلط کامل دارد، پس از جلائی وطن تصمیم می‌گیرد که مقیم هیچ جای جهان نباشد و همیشه در حال سفر به سر ببرد. او به این نتیجه می‌رسد که تغییر مداوم مکان باعث می‌شود که بسیاری از بی‌نظمی‌ها و دشواری‌های زندگی یکجانشینان خودبه‌خود مرتفع شود و حضور قدرت سیاسی صرفا در رفتار بی‌معنای مرزبانان هر کشور بروز کند. در پایان داستان پس از سال‌ها پرسرزمی قهرمان داستان حین عبور از یک مرز، با خشونت بسیار دستگیر می‌شود و او را به بازداشتگاه انتقال می‌دهند. در ادامه متوجه می‌شویم که او با حواس‌پرتی کامل دوباره به کشور خودش است. گذاشته‌است.

کار به همین جا ختم نمی‌شود. جذابیت داستان بندتی از این بابت درخو تأمل است که به جای تأکید بر کیفیت‌های ظاهرا مسدود اروگوئه‌ای بودن، او نوعی ناآوانی و گسستگی را مدنظر قرار می‌دهد. نفس اروگوئه‌ای بودن هیچ چیز خاصی را نایست نمی‌کند. خلاصه‌اش اینکه، اروگوئه‌ای کسی است که چیز دیگری نمی‌تواند باشد. اتفاقا در ضمن تجربه دیگری بودن است که خصیصه اصلی نفس پرزوز می‌کند. از جنبه‌ای دیگر، در



قیاس با گرایش به رشد کمی ادبیات و این ایده که اگر داستان‌نویسان بیشتر بشوند، لاجرم ادبیات رشد می‌کند و شکوفا می‌شود، نمونه‌هایی از جنس تجربه بندتی، حرکت را نه با انتقال که با سرایت توضیح می‌دهند. در وضعیت موجود، نگرانی عمده در عرصه داستان‌نویسی، همان‌طور که از کتاب‌های راهنما و فحواي مطالب آموزشی کارگاه‌ها برمی‌آید، یافتن راه چاره‌ای برای به اتمام رساندن رمان‌های نیمه‌تمام‌است. به عبارتی، هر مراجع و علاقمندی پیشاپیش کار را بلد بوده و فقط از چندچونچ اتمام کار بی‌خبر است. بنابراین چنانچه نحوه خاتمه دادن به کار را یاد بگیرد، عملا فرآیند تولید ادبیات ختم به خیر شده‌است. در این طرز تلقی، داستان‌نویسی در نوعی مبادله و انتقال شکل و کارکرد پیدا می‌کند. حال آنکه استعاره سرایت همان‌طور که در داستان بندتی به آن اشاره کردیم، عبارت از ناآوانی از ادامه دادن و کشف نیروهایی است که تجربه حرکت روایی را ایتر و ناتمام باقی می‌گذارد. قهرمان داستان بندتی، آن دایم‌السفر پاسپورت به دست، فقط زمانی از رفتن و رفتن بازمی‌ایستد که ناخواسته دوباره به سرزمین خود پا گذاشت.

تأش برای مدون ساختن تجربه داستان‌نویسی در یک آغاز و پایان فرضی، صرفا به دلیل سهولت در انتقال شگردها و پروژه‌سازی‌هایی است که در نهایت روایت را به سرانجام می‌کشد اما به یقین نمی‌توان جایگزین سبببای و حرکتی باشد که در فضای تخیلی پیشی می‌رود و صحنه‌ها، ادراک و تجربه‌های مفهومی تازه می‌آفریند. به عبارتی، پایان قبل از آغاز ساخته می‌شود. با اراج دوباره به داستان بندتی، حواس‌پرتی همان کیفیت و صفت حسی‌شده و به فراموش‌وانهادهای است که داستان بندتی، ما را از آن متن‌زند. برخلاف تلاش فعالانه برای پرورار کردن روایت و پروبال دادن به جزئیات از طریق آزمون و خطاهای سنجیده، نویسنده با اتکا به حواس‌پرتی‌اش و به تعبیر بندتی با اتکا و اعتماد به حواس‌پرتی، مهمل‌ترین امور و بی‌ربط‌ترین حوادث را به کلون داستان خود مبدل می‌کند. نویسنده را به رزهای بسیاری عبور می‌کند. در عبور از هر مرز با ژست و رفتاری مشابه پاسپورتش را نشان می‌دهد و مکان تازه‌ای را می‌آزماید اما حواس‌پرتی و بی‌مقصدی است که باعث می‌شود او به روحیه‌ای دست یابد که از هیچ مرزبانی نهرسد اینجا کجاست؟



■ دهه ۴۰ را بسیاری از نویسندگان و منتقدان، دوران طلایی ژورنالیسم ادبی در ایران می‌دانند. در همین دهه آن چند شماره معروف «اندیشه و هنر» که شمیم بهار دبیر صفحات ادب و هنرش بود در آمد و شما هم یکی از نویسندگان آن صفحات بودید. به‌عنوان کسی که در آن زمان خود در مطبوعات حضور داشتید از زیبایی تان از مطبوعات ادبی آن دهه چیست؟

آن دوره، تعدادی مجله آرام‌آرام شروع کرد به منتشر شدن؛ مثل جنگ «طرفه»، یا مجله «ارش» که سیروس طاهیار در می‌آورد و مجلات دیگر ادبی – هنری مثل «کیهان ماه» که مجله‌ای جدی بود و یک دوره‌ای هم آل‌احمد سردبیری‌اش را به عهده گرفت.

■ اینها قبل از اندیشه و هنر درآمدند؟

همان حول و حوش، یعنی دهه ۴۰... در همان دوره یا شاید کمی بعدتر «کتاب هفته» درآمد که احمد شاملو سردبیرش بود و مجله‌های متعددی مثل «خوشه» و... که سردبیری خیلی از آنها را شاملو به عهده می‌گرفت. برای همین به‌شوخ می‌گفتند شاملو متخصص دایر کردن مجله‌های تعطیل‌شده و تعطیل کردن مجله‌های دایر است. قبل از این موجی که در دهه ۴۰ به راه افتاد، یک‌سری مجلات ادبی مثل «بهار» و «بنغا» و «راهنمای کتاب» -که بعدها شد «آینده»- درمی‌آمدند. اما این مجلات، بیشتر به فرهنگ گذشته ایران نظر داشتند تا به مسایل معاصر جهان، یعنی یا به تحقیقاتی می‌پرداختند، یا به نسخه‌شناسی و فرهنگ کهن ایران. در این بین فقط مجله «سخن» این‌طور نبود و به هنر معاصر جهان هم توجه داشت. «سخن» یک مجله جدی و در دوران خودش تک بود، اما برای خودش یک حدودی تعیین کرده بود و از آن حدود جلوتر نمی‌آمد. آنچه در دهه ۴۰ در زمینه ژورنالیسم ادبی و هنری اتفاق افتاد، در واقع حاصل یک نیاز بود: نیاز به انتشار مجلاتی متعدد که هم به فرهنگ و هنر معاصر بهار پردازند و هم ادبیات معاصر ایران را معرفی کنند. «ارش» و «اندیشه و هنر» و مجله‌های دیگر آن دوره، همه با این هدف به وجود آمدند و خیلی‌هایشان هم مسایل روز را مطرح می‌کردند. اما در مجله «سخن» هیچ وقت مسایل روز مطرح نمی‌شد. من خود به‌عنوان یک جوان بیست و یکی، دو ساله در آن زمان، خیلی با علاقه «سخن» را می‌خواندم و بسیار از آن موختم و مدیونش هستم ولی «سخن»، نیاز خوانندگان به دانستن مسایل روز را برآورده نمی‌کرد. در نتیجه، نسل جوان‌تری شروع کردند به درآوردن مجلاتی که در آن به ادب و هنر روز پرداخته می‌شد. مثلا همان گروهی که اندیشه و هنر را درمی‌آوردند حدودا ۲۵-۳۰ ساله بودند یا کسانی که در مجله‌های دیگر کار می‌کردند، همان‌طور، نسل روزنالیست‌های دهه ۴۰، نسلی کاملا جوان بود. ■ آیا همه این مجله‌ها تقریبا هم‌راستا بودند و تفاوت عمده‌ای بین آنها وجود نداشت؟ مثلا بین «اندیشه و هنر» و «آرش» یا...

خوب مجله‌ای مثل «آرش» بیشتر به مسایل روز ایران می‌پرداخت و مصاحبه‌هایی می‌کرد با روشنفکران و هنرمندانی که هم‌راستا بودند. سیروس طاهیار، هم به نیما خیلی ارادت داشت (گرچه زیاد هم نیما را ندیده بود) و هم به آل‌احمد فوق‌العاده علاقه‌مند بود. در نتیجه از آن گروهی که از اطرافیان آل‌احمد بودند خیلی مطلب و مصاحبه چاپ می‌کرد. «اندیشه و هنر»، کمتر به مسایل مجادله‌آمیز می‌پرداخت ولی «آرش» این‌طور نبود. مجله‌های دیگری هم بودند که مجادله‌ها را در سطح دیگری دنبال می‌کردند. مثل مجله فردوسی که دیگر کار را از مجادله به فحاشی می‌کشاند. مجله فردوسی در آن دوره که فروغ فرخ‌زاد با تحقیر از آن به‌عنوان مجله پنج ریالی یاد می‌کند، جایی بود که مسایل کمتر جدی را دنبال می‌کرد و گاهی مثل همین روزنامه‌های زرد که در دنیا هست کار می‌کرد و بدش هم نمی‌آمد که در عده بد رفتگر با هم درگیر شوند. دیو‌های محمدعلی سپاللو و دکتر براهنی و دیو‌های دکتر براهنی و همه به هر حال در آن دوران جامعه داشت از روشنفکری کهن فاصله می‌گرفت، که البته آن روشنفکری کهن هم، روشنفکری فوق‌العاده‌ای بود و آدم‌های باسوادِی مثل هدایت و مینوی و مسعود فراد را داشت که آدم‌های بی‌ظنیری بودند. ولی خب خیلی از آنها کار را راه کرده بودند مثل هدایت که خودش را کشته بود. مینوی هم که فقط با متون کهن سر و کار داشت. به هر حال شاید این فاصله گرفتن از آن روشنفکری لازم بود. آن نوع بودن فوق‌العاده و کلاسیک، دیگر رسم روز نبود و نسل جدید اصلا آن را بر نمی‌تابید. این بود که باید چیزی به وجود می‌آمد که این خلأ را پر می‌کرد و مجلاتی که در آمدند بیشتر به این ترتیب کار کردند و در حقیقت به نوعی نیاز پاسخ می‌دادند و البته گاهی هم جایگاهشان درست درک نمی‌شد و تیراژشان خیلی کم بود. من یادم است که اندیشه و هنر، ۷۰۰ نسخه تیراژ داشت و دکتر ناصر وثوقی با چه حساب و کتاب دقیقی آن را درمی‌آورد.

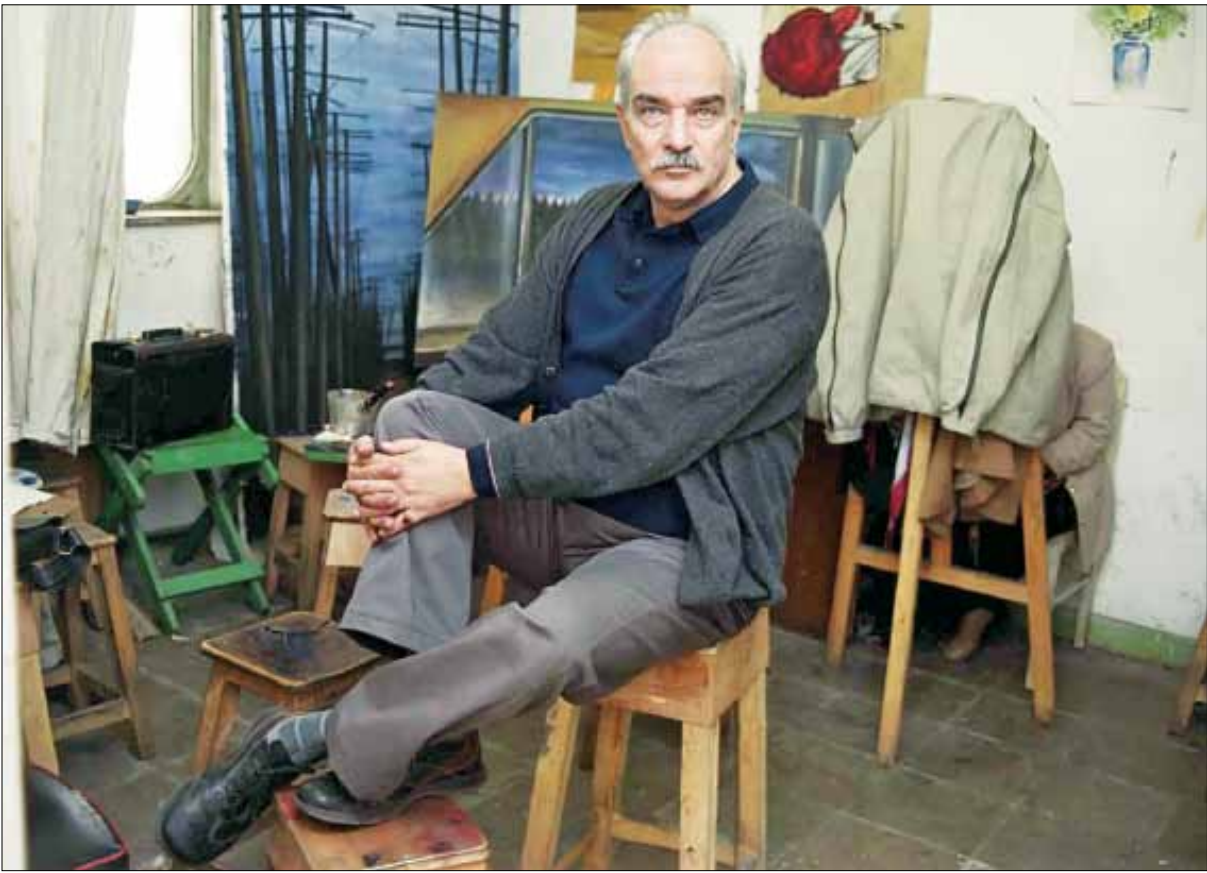
■ کار شما در «اندیشه و هنر»، بطور شروع و پیشنهاد که کسی بود؟ آیا شما و شمیم بهار و دیگر اعضای تحریریه ادب و هنر آن مجله از قبل همدیگر را می‌شناختید؟

بله، البته قبل از اینکه ما به «اندیشه و هنر» برویم، دکتر وثوقی سال‌ها بود که این مجله را در می‌آورد و یک بخش ادب و هنر هم قبل از ما در آن مجله بود. اما خیلی گسترده نبود و کسان دیگری آن را درمی‌آوردند. دکتر وثوقی فوق‌العاده باسواد و آدمی اهل خطر کړن بود. حتی یک آگهی داده و جوانان را دعوت به همکاری کرد. بعد مجله اصلی آگهی‌اش بهم این بود: «اندیشه و هنر، تیول کسی نیست»، بعد، شمیم بهار این فکر را او فریب‌آورد و ما هم که همه‌مان دوستان نزدیک بودیم کمک کردیم تا این اتفاق بیفتد. یک عده هم بعدها به هسته مرکزی مجله اضافه شدند. این دوره اندیشه و هنر، در واقع درپچه‌ای تازه را در فرهنگ باز کرد. خیلی از شعرا با همان مجله به بهترین وجه معرفی شدند؛ از بیزن الهی تا احمرضا

گفت‌وگو با آیدین آغداشلو درباره ژورنالیسم ادبی

نسل من سهراب‌کشی کرده است

گزارش به نسل بی‌سن فردا



عکس از رضا معطریان

اواسط دهه ۴۰ مجله «اندیشه و هنر» ویژه‌نامه‌ای برای جلال آل‌احمد منتشر کرد که در دوران خودش کم‌سابقه بود و حتی شاید در دوران ما هم، که ویژه‌نامه‌ها بیشتر «جشن‌نامه»‌اند و بزرگداشت و تعریف و تمجید، در «اندیشه و هنر» ویژه آل‌احمد، چند مقاله تند و تیز در نقد قطب روشنفکری آن روز کار نوشته شد که همین، آل‌احمد را به واکنشی از سر خشم واداشت و در پاسخ به همان نقدها بود که در «یک چاه و دو چاله» نوشت: «دیدم شش‌دهم خروگوشی برای آزمايشگاهي. اين است که حالا با تشکر از همه لطف و محبتی که در این کار بوده است، می‌خواهم بنشینم و پس از یک سال و نیم که از آن قضیه می‌گذرد ورقی بزنم به آن صفحات ویژه‌نامه تا ببینم آیا چاله‌ای است که حضرات برای ارضای خودخواهی همچو منی‌کنده بوده‌اند

احمدی و خیلی‌های دیگر مثل نمایشنه‌منویس‌ها... ■ هیچ‌وقت بین اعضای گروه فرهنگی این مجله مشکل و اختلافی به وجود نیامد؟ نه، هیچ وقت. باید بگویم که شمیم بهار یک سردبیر به تمام معنا بود. مشکلی که در این مجله وجود داشت نه مربوط به اعضای گروه که مشکل اقتصادی بود. اوضاع مالی این مجله هیچ‌وقت خوب نبود و واقعا با حداقل بودجه اداره می‌شد. مشکل دیگرش رسم‌الخطش بود. دکتر وثوقی به رسم‌الخط خاصی اعتقاد داشت. مثل نوشتن «حتی» با «الف» و... که البته خیلی هم چیز عجبیی نبود و بعدها عباس نعلبدیان هم همین رسم‌الخط را در نمایشنامه‌هایش به کار برد. اما همه فکر می‌کردند که اینجا یک عده جوان هستند که دارند عجیب و غریب می‌نویسند و برای همین نسبت به این مجله موضعی می‌گرفتند. در صورتی که این رسم‌الخط هیچ ربطی به کسانی که بخش فرهنگی آنجا را اداره می‌کردند نداشت و رسم‌الخط کلی مجله بود. ■ در مورد بخش ادبیات این مجله می‌گویند که اندیشه و هنر، در نقد ادبی، رویکردی و شیوه‌های تازه‌ای را وارد کرده بود...

اینها همه برمی‌گردد به کار آقای شمیم بهار. او در تعقیب ادبیات و سینمایی روز جهان بود و از همان جوانی‌اش نایغه کم‌ظنیری بود و هنوز هم هست. در نتیجه چیزهایی را که ضروری می‌دانست شناخته‌شوند یا خودش ترجمه می‌کرد یا می‌داد بعضی از دوستان ما ترجمه می‌کردند و البته خیلی وسواس داشت و ترجمه‌ها را بارها و بارها نگاه می‌کرد. ■ در حوزه ادبیات و هنر ایران، گاه نقدهای تندی در «اندیشه و هنر» نوشته می‌شد. مثل نقد شمیم بهار بر فیلم «خشت و آینه» ابراهیم گلستان. آیا این نقد تحت تأثیر موضع منفی جامعه روشنفکری آن زمان نسبت به گلستان نوشته شده بود یا ربطی به آن حواسی نداشت؟ نه، ربطی نداشت. هیچ‌وقت بین ما و سربلای گلستان برخوردی به وجود نیامده بود و هیچ سر سیاسی‌ای نسبت به او نداشتیم. ما جوان‌های خیلی علاقه‌مندی بودیم. گلستان هم برای خودش قطبی بود و اغلب دوست داشت ما را ببیند. البته شمیم بهار کمتر به دیوار و ملاقات آدم‌های رفت و هنوز هم همین‌طور است ولی ما می‌رفتیم. من خودم یکی از علاقه‌مندان گلستان بودم و می‌رفتم. منزلش یا دوستان دیگرمان مثل مهرداد صمدی که دوست نزدیک گلستان بود و تا آخر عمرش هم دوست گلستان ماند. بنابراین جو مجله «اندیشه و هنر» اصلا در ضدیت با گلستان نبود و در ضدیت با هیچ‌کس دیگری هم نبود. این، آن روح خیلی دقیق متوازن و علمی خود آقای بهار بود که «اندیشه و هنر» را در این شکل نگه می‌داشت. اما خب هر کس یک ساحتی داشت و ظاهرآ آدم‌ها عادت نداشتند به این ساحت وارد شوند. هنوز هم بسیاری از اوقات ورود به ساحت یک نفر، از جانب او توهین تلقی می‌شود که این خیلی بد است. یکبار جایی نوشتم که بعضی از ما هیچ‌چور بحث شکافند‌ای را درباره کار خودمان تحمل نمی‌کنیم. من به شوخی می‌گفتم که عباس کیارستمی و بهرام بیضایی مایلند آنچه درباره کارشان نوشته می‌شود تحسین مطلق باشد و نویسنده فقط آن چیزهایی را در کار آنها دوست‌کنند که خودشان می‌خواهند تحسین شود.

■ ظاهرا در اندیشه و هنر یک ویژه‌نامه آل‌احمد هم در آمد که آل‌احمد را مصعبانی کرد؟ بله، چند شماره مخصوص درآمد که یکی از آنها شماره مخصوص آل‌احمد بود و یکی هم شماره مخصوص شاملو که هر دو، کارهای خیلی متفاوتی بودند. یعنی قبل از آن، اتفاق نیفتاده بود که در یک مجله، یک شماره مخصوص، درباره یک نفر دربیاید. شماره مخصوص شاملو موردپسند او و جامعه شعرخوان

یا دکانی است که برای عرضه داشت جزوه‌های درسی خود باز کرده بوده‌اند؟ از آنها که در آن ویژه‌نامه نقدی تند بر آثار آل‌احمد نوشته‌اند، یکی آیدین آغداشلوست که در سومین قسمت از سلسله گفت‌وگوهای «گزارش به نسل بی‌سن فردا» از وضعیت ژورنالیسم ادبی در همان سال‌هایی که با شمیم بهار در بخش ادب و هنر «اندیشه و هنر» می‌نوشت، از ماجرای آن ویژه‌نامه کنایه‌ی آل‌احمد و از اوضاع امروز ژورنالیسم ادبی و مطبوعات سخن گفته‌است. آغداشلو بر خلاف گروهی دیگر از همنسلانش، به اینکه اوضاع امروز ژورنالیسم ادبی، بدتر از گذشته شده، باور ندارد و همچنین معتقد است نسل جدید ژورنالیست‌ها نه تنها «بدرکنشی» نکرده‌اند بلکه از جانب پدران‌شان به آنها «جفا» شده است.

سردبیر این روزنامه، تبدیل به قهرمان ملی شد. انگار یک چیزی در دوره رضاشاه جمع شده بود و یک جایی باید می‌ترکید. من در مجموع مطبوعات بعد از انقلاب را با همه محدودیت‌هایش، مطبوعات سلامت‌تری می‌دانم و برای نسل جدید روزنامه‌نگار‌ها احترام بسیار زیادی قایلیم. اما در مورد اینکه آیا فاصله افتاده یا نه... خب بله، یک فاصله زمانی بوده و این فاصله زمانی در مورد تئاتر هم هست. در مورد سینما هم هست و در مورد خیلی چیزهای دیگر. مگر در مورد سینما این فاصله زمانی اتفاق نیفتاد؟ یا در مورد نقاشی... سال‌های اول بعد از انقلاب من اصلا قادر نبودم نقاشی‌هایم را بفروشم چون کسی نقاشی نمی‌خريد. این اتفاقات می‌افتد و چیز خیلی شگفت‌انگیزی هم نیست. اما در همین نسل جوان روزنامه‌نگاران و روشنفکران یک نیاز خیلی مشخصی به آگاهی از گذشته بلافاصله‌شان وجود دارد. وقتی جوانان می‌آیند پیش من و درباره بعضی آدم‌ها یا اتفاق‌ها سوال می‌کنند من می‌بینم که نسل شما در جست‌وجوی خاطره گذشته بلافاصله‌اش است یعنی گذشته‌ای که از او دریغ نشده. این جست‌وجو شاید به قصد جبران این فراموشی است. فراموشی‌ای که بعد از هر انقلابی اتفاق می‌افتد تا اینکه نسل بعدی می‌آید و آرام‌آرام سعی می‌کند این حلقه‌ها را به هم متصل کند و خاطره بلافاصله قبل از خودش را شکل بدهد.

■ پس شما برخلاف آن عده که می‌گویند دهه ۴۰ بهترین دوره بوده و بعدش مطبوعات افت کرده، چنین اعتقادی ندارید؟

نه، واقعا فکر می‌کنم همه خیلی کار می‌کنند و الان دوره خیلی خوبی است و من اصلا آن‌طور فکر نمی‌کنم. حالا یک عده‌ای می‌گویند کتابخوان کم شده و مطبوعات وزن کم هستند... و اما فکر می‌کنم ما کمی داریم احساسات به خرج می‌دهیم. در حالی‌که باید به وضعیت مطبوعات در دنیا هم نگاه کنیم. اصلا تصور اینکه ۴۰ سال بعد حتی یک روزنامه در دنیا منتشر شود وجود ندارد. دلایلش هم این است که شاید نود سواد فرق کرده و چیزی دارن تغییر می‌کند. شاید ما زیادی نوستالژیک هستیم. شاید فکر می‌کنید مثلا در انگلستان چند مجله وزن ادبی درمی‌آید؟

■ عده‌ای می‌گویند نسل روزنامه‌نگاران بعد از دوم خرداد خواستند به اصطلاح پدرکشی کنند...

کجا... کی؟ من بیشترین تحسینی که نسبت به نسل‌های قبلی دیدم این است و همین صفحات ادبی بوده و گاهی حتی حرص خورده‌ام که نسل جدید از میان جمع عظیمی از آدم‌هایی که کار کرده بودند و روشنفکر و ادیب و هنرمند بودند حتی آدم‌های خیلی کم‌کار را هم می‌کشیدند بیرون و به آنها صفحه اختصاص می‌دادند و ازشان تحلیل می‌کردند این نسل که شما اشاره کردید نه تنها نقدشان پدرکشی نیست بلکه برعکس، من فکر می‌کنم نسل من خیلی به این جدیت جفا کرده و در واقع «پسرکشی» کرده. یعنی مشکلی اگر هست مشکل رستم است نه سهراب. سهراب که پدرش را نکشت و اگر می‌شناختش دستش را هم می‌پوسید و من فکر می‌کنم جست‌وجوی این نسل، همان جست‌وجوی سهراب است که می‌خواهد پدرش را پیدا کند.

این نسل هم دارند پدرشان را پیدا می‌کنند و متأسفانه با اینکه حال کثف‌تر از پدرشان هم هستند ولی کمک می‌خورند. به هر حال به نظر من الان جو معقول‌تری بر مطبوعات است. البته ایرادهایی هم وجود دارد و آن هم برمی‌گردد به کلتی جهانی. مثلا شاید آدم‌ها الان کمی سطحی‌تر برخورد می‌کنند و فوری‌تر می‌خواهند شهرت پیدا کنند ولی به نظر من در مجموع اتفاق خیلی بدی نیفتاده است. شاید اصلا جهان به نوعی دارد پوست می‌اندازد و تغییر شکل می‌دهد و البته گوگل هم در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد.

علی باباجاهی

و ۱۱ صفحه خط قرمز



■ شرق: کتاب «گزاره‌های منفرد» نوشته علی باباجاهی که پیرامون مسایل شعر و بررسی شعر جدید و جوان امروز است، اخیرا به چاپ دوم رسیده است. این کتاب سه‌جلدی اکنون در یک مجلد توسط نشر دیبایه روانه بازار شده. باباجاهی در این کتاب به بررسی شعر بعد از انقلاب تا دهه ۸۰ پرداخته است. در این کتاب باباجاهی به جریان‌های ادبی و شاعران قبل از انقلاب نیز به موارات شعر نسل جدید توجه داشته. بررسی اتفاق‌ها و بحران‌های شعری این سال‌ها و حتی بقایای شعر حجم، موج نو، ناب، شاملوگرایی، سپهری‌گرایی و فروغ‌گرایی موضوعات دیگری است که این شاعر در کتابش به آنها پرداخته است. همچنین این کتاب توجه ویژه‌ای به شعر دهه ۷۰ و «شعر در وضعیت دیگر» و آثار شاعران جوان که در این حوزه به سرودن شعر پرداخته‌اند، داشته است.

اما جز این کتاب تحقیقی در حوزه شعر، باباجاهی از اخذ مجوز و انتشار مجموعه شعری با نام «گل باران هزار روزه» می‌گوید که توسط انتشارات مروارید چاپ شده است. این مجموعه، که شعرهای سال ۱۳۸۸ و نیمه ۱۳۸۹ باباجاهی را در بر می‌گیرد، با انجام پارهای اصلاحات، مجوز نشر گرفته است، او که برای اخذ مجوز این کتاب مجبور شده، بنا به خواست وزارت ارشاد ۱۱ صفحه از کتاب را حذف کند، این اتفاق را عجیب می‌داند و می‌گوید چگونه ۱۱ صفحه از این کتاب عبور از خط قرمز بوده است؟ باباجاهی به جای پیشگفتار این کتاب، دو گفت‌وگویی را که پیش از این با او انجام شده و در نشریات به چاپ رسیده بوده، آورده است، او همچنین از چاپ سوم «گزینه اشعار»ش توسط انتشارات مروارید می‌گوید و دو کتاب دیگر از او نیز به چاپ دوم رسیده‌اند. او برای چاپ دوم آنها را به‌نشر چشمه سپرده است. کتاب «همنم باران» که نخستین بار در سال ۱۳۷۵ توسط نشر دارینوش و کتاب «عقل عظیم می‌دهد» که نشر همراه در سال ۱۳۷۹ آن را منتشر کرده بود. از باباجاهی جدا از این کتاب‌ها، مجموعه شعرهایی هم منتشر مجوزند یا به‌تازگی مجوز آنها صادر شده است. «هوش و حواس گل شب بو برای من کافی است»، مجموعه شعری است که به انتشارات ثالث سپرده شده و شامل بیش از ۷۰ شعر و سه‌واژه به قلم خود باباجاهی است که هم‌اکنون حدود سه‌ماه است منتظر دریافت مجوز است.

کتاب «ن این هم یک شوخی بود» بدون حک و اصلاح توسط نشر ویستار مجوز نشر گرفته است. این کتاب گزینه اشعار باباجاهی به صورت دو زبانه است و سعید سعیدپور اسفغان آن را که شعرهای سال‌های ۸۹ و ۹۰ باباجاهی است به انگلیسی برگردانده. در این کتاب که به اهتمام ایوب صادقیانی آماده انتشار شده است، اشعار باباجاهی و ترجمه آنها در دو بخش مجزا آمده‌اند. باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه پیش مجوز گرفته است، اما در این مدت هنوز از انتشار آن توسط نشر شروع بی‌خبر است. او می‌گوید این کتاب مجموعه‌ای از «شعرک‌ها یا هایکوهاي اوست. این کتاب قرار بوده بر روی کاغذ گلانه و با قطعی غیرمتعارف منتشر شود و علاوه بر باباجاهی همچنین می‌گوید که کتاب «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم» حدود دو ماه